

## چند نکته دیگر در مورد اغلاط مشهور املائی در زبان فارسی دری

نکاتی چند: چون "نکاتی" صورت جمع نکته و واژه "چند" مفرد است پس از لحاظ دستور زبان نمی توان نوشت نکاتی چند. به نظر می رسد که این غلطی مشهور از زمانی وارد زبان فارسی شده باشد که هرگاه همایشی یا محفلی با تلاوت آیاتی از قرآن کریم شروع می شد نطق می گفت محفل را با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم شروع می کنیم که البته غلط بود و باید می گفت با آیاتی از قرآن یا به چند آیه از قرآن مجید. (من خود تا همین چند روز پیش متوجه این نکته ظریف نشده بودم. این نکته را دوست گرامی جناب صبور الله سیاه سنگ برایم یادآوری فرمودند.)

پیشخان / پیشخوان: پیشخان به میز دراز صندوقمانندی گویند که در جلو دکان می گذارند و فروشنده پشت آن می نشیند. ولی پیشخوان کسی است که در مجلس و عظ یا روضه خوانی پیش از خطیب چیزی بخواند. بنابراین در هنگام نوشتن پیشخان و پیشخوان این نکته هارا باید در نظر آورد.

پیرامون / پیرامن: واژه پیرامون و پیرامن که هر دو پهلوئی اند، معنای یکسان دارند و می توان به هر دو صورت آن را نوشت. پیرامون و پیرامن به گرداگرد دور و بر، اطراف کسی یا چیزی گفته می شود:

مرا دستگاهی که پیرامن است پدر گفت میراث جد من است

یا

فریدون گفت نقاشان چیدن را که پیرامون خرگاهش بدوزند  
بدان را نیک دارای مرد هوشیار که نیکان خود بزرگ و نیک روزند

مربوطه: چون واژه مربوطه در زبان عربی صفت مؤنث است بنابراین همیشه با اسمی که مؤنث باشد به کار می رود. پس هرگاه ما بنویسیم "رییس مربوطه"، "قانون مربوطه"، "دوسیه مربوطه"، "پرونده مربوطه"، "گزارش مربوطه"، یکی از همان اغلاط مشهور را مرتکب خواهیم شد که موضوع مورد بحث این سلسله از نیشته هاست. زیرا که از یک طرف در زبان فارسی مذکر و مؤنث وجود ندارد و از طرف دیگر ما نمی توانیم واژه مربوطه را به مربوطرا با کلمه هایی که در زبان عربی مذکر است به کار بریم. بنا براین بهتر است که در همه موارد واژه کار ببریم نه مربوطه را: رییس مربوطه، قانون مربوطه، دوسیه مربوطه، پرونده مربوطه، گزارش مربوطه، دستگاه مربوطه...

اما درباره صفت مؤنث باید گفت که چون در زبان عربی، صفت با موصوف خود مطابقت و برابری دارد، بنابراین هرگاه موصوف مؤنث یا جمع غیر جاندار باشد صفت آن "تای" تأنیث می گردد. که این "تا" در عربی به صورت "ة" و در فارسی به صورت "ه" غیر ملفوظ به آخر صفت افزوده می شود.

آقای ابوالحسن نجفی در ص 253 کتاب مستطاب شان "غلط ننویسیم .." این بحث را ادامه داده و چنین می نویسند: در دوره متأخر، در فارسی نیز، به تقلید از عربی، صفت مؤنث را در بسیاری از موارد به کار می برند، مانند "قوانین مدونه"، "متون قدیمه"، "قرون ماضیه"، "تعلیمات عالییه"، "طبقه ممتازه"، "والده محترمه" و جز اینها... که به جای آنها باید گفت "قوانین مدون"، "متون قدیم"، "قرون ماضی"، "تعلیمات عالی"، "طبقه ممتاز"، "والده محترم"، "قانون مصوب"؛ زیرا در فارسی نه مؤنث و مذکر است و نه صفت با موصوف تطبیق می کند.

بدین ترتیب می بینیم که کسانی که صفت مؤنث عربی را با واژه های فارسی در می آمیزند و به کار می برند، خلاف قاعده دستور زبان فارسی و عربی عمل می کنند. به این ترکیب های نادرست توجه کنید: پرونده مختومه، بانوی محترمه، والده محترمه، کاغذ باطله، نامه شریفه، دستور لازمه. که از استعمال آنها باید پرهیز نمود.

جناب نجفی می نویسد که برخی از ترکیب هایی هم هستند که به صورت مستعمل در عربی یا به شیوه عربی وارد فارسی شده و در نوشته ها به کار رفته است. و امروزه نیز می توان آنها را به عنوان اصطلاحات جا افتاده پذیرفت هر چند که نادرست اند مانند: هیئت تحریریه، هیئت حاکمه، وسایط نقلیه، اعمال شاقه، احترامات فایقه، امور خارجه، روابط حسنه، صفات رذیله، ارواح خبیثه، شجرهء طیبه، قوه دراکه، قوهء مقننه، قوهء مجریه، قوهء قضائیه، مکء معظمه، مدینهء منوره، زن سلیطه، گناهان کبیره و غیره. ( برای معلومات مفصلتر به صص 253 - 254 کتاب غلط ننویسیم مراجعه شود. )

یک موضوع دیگر نیز\* در همین رابطه قابل یاد آوری است که اگرچه در زبان فارسی میان مذکر و مؤنث کدام فرقی وجود ندارد، با انهم برخی اسمها وصفاتی هستند که مختص برای زنان به کار می روند. مانند: مخدره، ضعیفه، معروفه، سلیطه و غیره. همچنان بسیاری از اسمهای عربی به صورت مذکر و مؤنث نیز در زبان فارسی استفاده می شود. مانند: جد و جدّه، حاجی و حاجیه، خال و خاله، دلال و دلاله، رئیس و رئیسه، رقاص و رقاصه، زانی و زانیه، زوج و زوجه، عم و عمه، مدیر و مدیره، محبوب و محبوبه، معشوق و معشوقه، ملک و ملکه، ندیم و ندیمه والد و والده و غیره.

ادامه دارد  
ثور 1385 کابل

\* این موضوع از صص 25 کتاب " غلط ننویسیم، گرفته شده.